

تاریخچه آزمایشگاه در ایران

مجله نظام پزشکی

سال سوم، شماره ۳، صفحه ۱۷۳، ۱۳۵۲

دکتر عبدالله حبیبی - دکتر محمد رضا روحی *

توجهی ندارند. گفته فوق روایتی بیش نیست ولی آنچه مسلم است در قرن هفدهم میلادی توماس ویلیس (Thomas Willis) پزشک انگلیسی شیرینی ادرار مبتلایان به دیابت را با چشیدن آن توصیف نمود و در حقیقت اولین آزمایش کیفی ادرار را بعمل آورد.

در تاریخ تمدن‌های چینی و هندی در گفته‌های اطبا بنکاتی برخورد میکنیم که موید نقش ادرار در شناسائی برخی از بیماریها (البته به اعتبار زمان) بوده است.

در کشور خودمان در تاریخ پزشکی اطلاعاتی از ادرار و تغییرات آن در برخی از بیماریها داده شده و در تمدن ساسانی و فعالیت‌های مرکز طبی جندی شاپور پزشکان مطالبی درباره تغییرات ادرار و عرق و مدفوع در بیماریها ذکر نموده‌اند که حائز اهمیت است و در نوشته‌های رازی و ابن سینا نیز از خواص ادرار و تغییرات آن در بیماریها بحث فراوان شده است.

این نوع بررسی‌های ظاهری از مدفوعات مختلف بدن تا اوایل قرن نوزدهم بصورت کاملاً مقدماتی و ساده رواج داشت. از اواخر سده نوزدهم و اوایل سده اخیر این مراحل مقدماتی و ساده پشت سر گذاشته شد و با کشفیات میکروب شناسی، انگل شناسی، شیمی حیاتی و ظهور دانشمندانی نظیر پاستور و کخ تحولی در تشخیص بیماریها و استفاده از روشهای آزمایشگاهی بظهور پیوست و با مطالعات و اکتشافات مختلف در زمینه ایمنی شناسی و فیزیکوشیمی رو به تکامل رفت و با توسعه علوم میکرو بیولوژی و رشته‌های وابسته بآن و خون شناسی و بیوشیمی که ازارکان علم طب امروزی میباشد همگام با تکمیل وسائل و اختراع دستگاههای آزمایشگاهی مختلف، راه برای تشخیص بیماریها و بررسی‌های علمی، بهداشتی و پزشکی هموار شد تا بوضع کنونی رسید.

مقدمه - امروزه در سراسر کشور آزمایشگاهها و مؤسسات آزمایشگاهی مجهزی با تعداد قابل توجهی متخصصین رشته‌های مختلف این علم با لوازم و ابزار کامل کار مشغول فعالیت میباشند ولی اگر قدری بعقب برگردیم و نظری به گذشته مؤسسات آزمایشگاهی کشور اعم از دولتی، مستقل یا خصوصی بیندازیم متوجه میشویم که این مؤسسات در ایران عمری بس کوتاه و تاریخچه بسیار مختصری دارند. سر آغاز فعالیت‌ها و تأسیس آزمایشگاهها در حدود نیم قرن پیش بهمت عده‌ای معدود از پزشکان و متخصصین با وسایلی بس ابتدائی و ساده بوده و در حقیقت پایه‌های آزمایشگاههای کنونی کشور بر همان شالوده‌های اولیه بنا شده است. بررسی کوشش‌های بنیان‌گذاران و جمع آوری مدارک موجود بصورت تاریخچه‌ای از تأسیس و تکمیل آزمایشگاههای کشور است که ضمن آن نام بنیان‌گذاران نیز زنده خواهد شد. خوشبختانه عده‌ای پیشاهنگان این رشته پزشکی هنوز فعلاً مشغول بخدمت خود هستند و گفته‌ها و نوشته‌های آنان مدارک موجود را تکمیل‌تر و خدمات پیشینیان را ارزنده‌تر خواهد نمود.

سابقه تاریخی آزمایش و آزمایشگاه

آنچه از صحائف تاریخ پزشکی جهان مستفاد میگردد این است که قدما برای ادرار نقش بزرگی قائل بوده‌اند و با بررسی ظاهری آن سلامت و بیماری افراد پی میبردند. میگویند اولین کسی که توجه بوجود قند در ادرار بیماران دیابتی نمود یک پزشک چینی بوده است. او ملاحظه کرده بود که سگان، ادرار برخی از بیماران را باولمی خاص می‌لیسند، در حالیکه به ادرار دیگر بیماران

سابقه تاریخی آزمایشگاه در ایران

۱- مراحل ابتدایی و فعالیت‌های انفرادی - سال ۱۲۶۸ هجری قمری در زمان صدارت میرزا تقی خان امیرکبیر بانی، مؤسس دارالفنون عده‌ای از معلمین خارجی برای تدریس رشته‌های مختلف علمی منجمله طب و داروسازی از کشور اطریش و هنگری سابق برای دارالفنون استخدام و بموجب روزنامه وقایع اتفاقیه شماره ۲ صفحه اول بتاریخ ۲۶ محرم ۱۲۶۸ (مطابق آذر ۱۲۳۰ و اکتبر ۱۸۵۱) در میان معلمانی که به ایران آمدند طبیبی به نام دکتر ادوارد ژاکوب پولاک Dr. E. g. polak برای تشریح و جراحی و دکترین فوکاتی Dr. Focchette برای داروسازی انتخاب شدند. دکتر فوکاتی پس از دو سال خدمت و تدریس داروسازی در دارالفنون برای خرید وسایل یک لابراتوار برای رشته داروسازی به اروپا رفت و پس از خرید و ارسال وسایل لازم لابراتواری در دارالفنون تاسیس و با همکاری دکتر پولاک مبادرت به امتحانات شیمیائی معمولی و آموزش داروسازی و طبیعی نمود. بمواظت فعالیت‌های معلمین نامبرده دو نفر پزشک خارجی دیگر یکی فرانسوی بنام دکتر دزیره تولوزان D. Tholozan و دیگری هلندی بنام دکتر یوهان شلیمر Shlimmer که پزشکان دربار ناصرالدین شاه بودند و با خود وسایل لازم را همراه آورده بودند، مبادرت به برخی امتحانات لابراتواری مینمودند ولی فعالیت‌های آنها منحصرأ برای بیماران درباری بود.

در سالهای بعد عده دیگری از پزشکان خارجی بگروه معلمین دارالفنون پیوستند از آنجمله دکتر ژورژ Georges دکتر بلان Blanc دکتر آلبو Albou که در کلاس‌های طب و داروسازی دارالفنون خدمت مینمودند و در آموزش و آزمایش‌های طبیعی و داروسازی سهمی داشتند. البته عده‌ای از ایرانیان پزشک و داروساز در همکاری با خارجیان در تاسیس و اداره مدرسه طب و داروسازی دارالفنون نقش بسزائی داشته‌اند که سردسته آنان را باید میرزا کاظم محلاتی دانست.

در همین اوان در نزدیکی دارالفنون (خیابان ناصر خسرو) داروخانه‌ای توسط یک داروساز آلمانی بنام شورین Shwerin تاسیس گردید که بیشتر به تهیه داروهای درباریان مظفرالدین شاه و اعیان و اشراف آن زمان مبادرت می‌کرد. در گوشه‌ای از همین داروخانه بود که قرع و انبیب و وسایل آزمایشگاهی مختصری گذاشته شده بود و امتحان ادرار توسط شورین انجام میگرفت و عده زیادی از متمکنان و اعیان زمان برای اطلاع از اینکه مبتلا به بیماری دیابت هستند یا خیر ادرار خود را بداروخانه شورین می‌فرستادند. پس از مدتی فعالیت، شورین جای خود را بداروساز دیگری بنام

اوژن بناطی (E. Bonati) داد و او نیز فعالیت‌های داروسازی و تجزیه ادرار را کماکان ادامه میداد و قسمتی از داروخانه او را آزمایشگاه اشغال نموده بود و تا آن تاریخ یعنی قریب ۷۰ سال قبل، آزمایشگاه مدرسه طب و داروسازی دارالفنون و آزمایشگاه دکتر بناطی منحصرأ آزمایشگاه‌های ایران را تشکیل میدادند. دکتر بناطی که سمت کنسول افتخاری نروژ را نیز داشت سالیان درازی در ایران بود و تا شروع جنگ بین‌المللی اول بخدمت خود در داروخانه ادامه داد و با آغاز جنگ جای خود را بیکی از شاگردانش بنام مولیون (Molion) داد و خود به آلمان موطن خویش بازگشت.

از آن پس موضوع تجزیه مواد بذهن پزشکان ورؤسای بیمارستانهای تهران خطور نمود و در بیمارستان دولتی (ابن سینای کنونی) و بیمارستان امریکائی تهران وسایل آزمایشگاهی فراهم آمد و نیز برخی از اطباء سفارتخانه‌ها خصوصاً دکتر نلیگان (Neligan) پزشک سفارت انگلیس و برخی از اطباء ایرانی که تحصیلات خود را در خارج انجام داده بودند وسایل آزمایشگاهی تهیه کرده برخی از امتحانات آزمایشگاهی را در مطب خود انجام میدادند.

باید قبول کرد که خدمات افسراد نامبرده بالا و امتحانات ادرار و برخی مواد دیگر که پزشکان ایرانی و خارجی به ابتکار خود در ایران آغاز نمودند از هر لحاظ درخور توجه است و این افراد سهمی در بنیان‌گذاری آزمایشگاه‌های طبی ایران دارند ولی آنچه مسلم است دوران نهضت آزمایشگاه‌های کابل و متکی بروش‌های علمی جدید توسط کارشناسان با وسایل پیشرفته در ایران با تاسیس انستیتو پاستور ایران در سال ۱۲۹۹ شمسی و با تشکیل انستیتو حصارک (انستیتو رازی کنونی) در سال ۱۳۰۳ و بنگاه بهداشت در سال ۱۳۱۵ که بعداً بنام آزمایشگاه مرکزی وزارت بهداشت نامیده شد آغاز میگردد و این موسسات اولین سازمان‌هایی بودند که برای تشخیص بیماریها، مطالعات اپیدمیولوژیک، تهیه سرم و واکسن و بررسی‌های پزشکی و خدمات قرنطینه‌ای در ایران تشکیل گردید. موسسات مذکور از بدو تشکیل ضمن خدمات بهداشتی و پزشکی به تربیت افراد لازم برای توسعه اینگونه فعالیت‌ها در کشور اقدام نمودند. بمواظت تاسیس و فعالیت موسسات نامبرده دایره تاسیس آزمایشگاه‌ها در بیمارستانهای مختلف اعم از کشوری و لشگری و خصوصی توسعه یافت و در سالهای بعد توسط وزارت بهداشتی، به‌سازهای نیروهای مسلح شاهنشاهی، دانشکده‌های پزشکی و سازمان‌های طبی و بهداشتی دیگر رو ب تکامل گرائید و هماهنگ با تکمیل بیمارستانها و وسایل کار و زیاد شدن تعداد پزشکان تحصیل کرده و متخصصین رشته‌های مختلف،

از جمله افرادی که از بدو شروع بکار همکاری نزدیکی با دکتر منارد داشته او را یاری نمودند، دکتر ابوالقاسم بهرامی، دکتر یحیی پویا، دکتر حسین مشعوف، دکتر احمد نجم آبادی و تیمور دولتشاهی بودند و همکاری این افراد برای دکتر منارد بسیار ذقیمت بود.

در همان سالهای اولیه که دکتر منارد بخشهای خود را در مکان های موقتی و اجاره ای سروسامان میداد و آغاز به فعالیت مینمود شاهزاده عبدالحسین فرمانفرما زمین مشجری (محل فعلی انستیتو پاستور ایران) با آب، وقف انستیتو پاستور کرد و مقدار لازم پول برای ساختمان مورد نیاز در اختیار انستیتو پاستور ایران قرار داد.

آزمایشگاه های انستیتو پاستور در بدو امر مشتمل بر آزمایشگاه تشخیص طبی، آزمایشگاه مطالعات اپیدمیولوژیک و مبارزه با بیماریهای واگیر، آزمایشگاه شیمی و قسمت تهیه واکسن آبله و بالاخره مرکزی برای نگهداری سرماها و برخی واکسن های انسانی بود که از انستیتو پاستور پاریس وارد میکردند و در دسترس بیماران میگذاشتند. در حقیقت اولین آزمایشگاه تشخیص طبی مجهز دولتی ایران در انستیتو پاستور تشکیل شد.

دکتر منارد پس از پنج سال ایران را ترک کرد و همکاری نزدیکش دکتر ابوالقاسم بهرامی کفالت انستیتو پاستور را بعهده گرفت. در سال ۱۹۲۵ بجای دکتر منارد یک متخصص فرانسوی دیگر بنام دکتر کراندل (Kerandel) از پاریس مأمور اداره انستیتو پاستور ایران شد و فعالیت های انستیتو پاستور را بر مبنای پیشرفت های تازه ای که نصیب متخصصین در فرانسه شده بود با کمک همکاران ایرانی خود از جمله دکتر بهرامی، دکتر قدسی، دکتر میردامادی، دکتر مشعوف، دکتر احمد نجم آبادی، دکتر وارطانی و تیمور دولتشاهی توسعه داد و این همکاری باعث شد که دامنه فعالیت خدمات انستیتو پاستور گسترش بیشتری یابد.

دکتر کراندل در سال ۱۹۳۴ در تهران درگذشت و این بار دکتر حسین مشعوف بکفالت انستیتو پاستور انتخاب و مشغول کار شد. یک سال بعد از طرف انستیتو پاستور پاریس، پرفسور لگرو (Legroux) بعنوان مدیر علمی انستیتو پاستور ایران تعیین و قرار شد سالی دو سه بار برای سرکشی و تعیین خط مشی کار به ایران مسافرت نماید و امور انستیتو پاستور را از دور زیر نظر بگیرد و در مدت غیبت ایشان انستیتو پاستور زیر نظر دکتر بهرامی باشد. تا آغاز جنگ بین المللی دوم پرفسور لگرو چند بار به ایران سفر کرد و دکتر بهرامی و همکارانش همچنین با اداره انستیتو پاستور ادامه میدادند.

عده ای در ایران یا خارج در رشته های علوم آزمایشگاهی تخصص پیدا کرده مبادرت به تأسیس آزمایشگاه های خصوصی در تهران و شهرستانها نمودند و بدین نحو در ظرف ۵۰ سال موسسات آزمایشگاهی کامل در سراسر کشور تشکیل شد.

۲- تاریخچه انستیتو پاستور ایران - در سالهای ۱۲۹۷ و ۱۲۹۸ که سلطان احمد شاه قاجار مسافرتی به اروپا کردند، ضمن بازدید از کشور فرانسه، در بر نامه بازدیدهای او یک روز مخصوص دیدار از انستیتو پاستور پاریس بود. در این بازدید مرحوم دکتر حکیم الدوله (محمد حسن لقمان ادهم) پزشک مخصوص همراه ایشان بود. ضمن مشاهده کارهای علمی این موسسه و فعالیت آزمایشگاه های تشخیص و بخشهای تهیه سرم و واکسن های مختلف، خدمات انستیتو پاستور مورد توجه پادشاه ایران قرار گرفت و دستور اقدامات لازم در جهت تأسیس مؤسسه مشابهی در ایران بدکتر حکیم الدوله دادند. بر اساس این دستورات در اکتبر سال ۱۹۱۹ هیئتی از طرف دولت ایران بمنظور مذاکره برای تأسیس انستیتو پاستور ایران به پاریس رفت و با دکتر رو (E. Roux) رئیس وقت انستیتو پاستور پاریس ملاقات و مذاکرات لازم را بعمل آورد.

اعضای این هیئت مرکب بود از ذکاء الملک نماینده دولت ایران در کنفرانس صلح، دکتر لقمان الدوله رئیس وقت دانشکده پزشکی تهران و دکتر محمود خان معتمد پزشک مخصوص شاهزاده فرمانفرما. درخواست نمایندگان ایران مورد قبول دکتر رو و تأیید دکتر کالمت (Calmette) قرار گرفت و دکتر رو یکی از همکاران خود دکتر منارد (Mesnard) را برای این منظور و مطالعه در امر تأسیس انستیتو پاستور مأمور ساخت و بعداً پرفسور لگرو (Legroux) بعنوان رئیس افتخاری انستیتو پاستور ایران انتخاب شد.

پس از مذاکرات مفصل و تبادل نظرهای لازم بین نمایندگان ایران و اولیای انستیتو پاستور پاریس سرانجام در آوریل ۱۹۲۰ دکتر منارد با قبول این مسئولیت عازم ایران گردید. در آن زمان وضع ایران بسیار نابسامان بود که منجر به کودتای تزاریخی ۱۲۹۹ گردید و در نتیجه دکتر منارد مدتی را در بلا تکلیفی گذراند تا اینکه با سامان یافتن اوضاع، به امر سردار سپه و با دریافت مبلغی پول از محل عواید گمرکات و آشناسدن با عده ای از ایرانیان و برخی همکاران و افرادی که شایستگی کمک و همکاری با ایشان را داشتند، انستیتو پاستور ایران را در محل اجاره ای در در خیابان استخر کنونی (باغ مرحوم مدبر الدوله سمیعی) تأسیس و فعالیت خود را آغاز نمود.

آغاز کرد و دست بکار ساختمان جدیدی در همان محل شد. ساختمانهای جدید در فروردین ماه سال ۱۳۳۷ طی مراسمی بدست مبارك اعلي حضرت همايون شاهنشاه آريامهر، باشركت پرفسور پاستور والرى رادو رئيس شورى انستيتو پاستور پارس و ژورژ سيدو (G.Seydox) رئيس امور فرهنگى و فنى وزارت امور خارجه فرانسه و پرفسور ژورژ بلان (G.Blanc) رئيس انستيتو پاستور كازابلانكا و سفىر و اعضای سفارت فرانسه در تهران وعده زيادى از شخصيت هاى علمى وزارت بهدارى و دانشگاه تهران، افتتاح گرديد.

دکتر بالتازار تا سال ۱۳۴۵ در ایران بود و در انستیتو پاستور بخدمت خود ادامه میداد.

ریاست انستیتو پاستور تا سال ۱۳۴۱ بمعهده او بود ولی بعداً دکتر مهدی قدسی که قبلاً سمت معاونت انستیتو پاستور را داشتند و یکی از قدیمی ترین رؤسای بخش این انستیتو بودند، محول شد. ذکر این نکته شایان توجه است که آزمایشگاه های تشخیص طبی انستیتو پاستور از اولین آزمایشگاههاى است که در کشور تاسیس شده و سالیان دراز مرجعى مورد اعتماد و مورد احتیاج جامعه پزشکی و بیماران بوده است و به همین دلیل است که میتوان گفت تاریخچه آزمایشگاه تشخیص طبی در ایران با تاسیس انستیتو پاستور آغاز میشود.

۳- تاریخچه انستیتو رازی - در اوایل سلطنت اعلي حضرت رضاشاه کبير که اصلاحات اساسى در شئون مختلف کشور آغاز گرديد، اداره کل فلاحه که تابع وزارت فواید عامه بود سازمان کشاورزی نوینی را در کشور بنیان نهاد. در آن زمان دامداری که از قرنها پیش مهمترین محل درآمد مردم این سرزمین را تشکیل میداد به سبب بروز و شیوع بیماریهای واگیر دامی رو بزوال میرفت و از جمله آفت طاعون گاوی نسل گاو را در شمال و غرب ایران مورد تهدید قطعی قرار داده بود. در چنین وضعی اداره کل فلاحه بمنظور مبارزه با بالای خطر ناک طاعون گاوی و دیگر بیماریهای واگیر حیوانات در کشور و در عین حال لزوم توجه بمقررات بین المللی وجلوگیری از اشاعه این بیماریهای خطر ناک بکشورهای مجاور، فعالیتهاى سرى را در جهت مطالعه و تشخیص و پیشگیری طاعون گاوی وسایر بیماریهای حیوانى ضرور دانست و برای این منظور از انستیتو پاستور ایران که در آن زمان یگانه مؤسسه ذیصلاحیت کشور بود کمک خواست. چون در آن زمان هنوز واکنس ضد طاعون گاوی کشف نشده بود یگانه راه مبارزه با این بیماری روش «سروانفکسیون» بود و میبایستی مقدار زیادى سرم حیوانى تهیه گردد.

در اجرای این امر چون انستیتو پاستور محل مناسبی برای

از سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ بر اثر وقوع جنگ جهانی دوم رابطه انستیتو پاستور ایران با انستیتو پاستور پاریس قطع شد و این مؤسسه به ریاست دکتر بهرامی ومعاونت دکتر مهدی قدسی با همکاری دیگر کارمندان ایرانی همچنان به فعالیت های خود ادامه داد.

بطور کلی در سالهای قبل از جنگ که تعداد آزمایشگاه ها خیلی محدود و فعالیت های آنها كفاف احتیاجات کشور را نمیداد اكثرأ مسائل بهداشتی کشور که در حوزة مسئولیت اداره کل صحیه مملکتی بود از طریق انستیتو پاستور ایران حل و فصل میشد که یکی از آن فعالیتها بررسى بهداشتی قرنطینه های کشور بود و انستیتو پاستور بهمت مسؤلان امر و مساعی و جدیت های رؤسای وقت صحیه کل مملکتی (دکتر احیاء الملك، دکتر احیاء السلطنه، دکتر امیر اعلم و دکتر لقمان الملك) مبارزه با بیماریهای واگیر بخصوص وبا را در کشور بنحو احسن انجام داد.

پس از خاتمه جنگ جهانی دوم، بمنظور توسعه انستیتو پاستور ایران و تاسیس بخشهای تازه، دکتر منوچهر اقبال وزیر بهدارى وقت از انستیتو پاستور پاریس دعوت بعمل آوردند تا هیئتی برای تجدید نظر در تشکیلات و تعیین خط مشی تازه انستیتو پاستور به ایران اعزام شود.

این هیئت در ۱۲ اوت ۱۹۴۶ بسرپرستی پرفسور پاستور والرى رادو (Pasteur Valery Radot) رئيس شورى انستيتو پاستور پاریس و عضویت چند تن از رؤسای بخشهای انستیتو پاستور وارد تهران شدند و در معیت اولیای وزارت بهدارى، شیرو خورشید سرخ ودانشکده پزشکی تهران مطالعات لازم را بعمل آوردند و در همین هنگام در جشن بیست و پنجمین سال تاسیس انستیتو پاستور ایران نیز شرکت نمودند.

در تاریخ ۲۵ اوت ۱۹۴۶ موافقت نامه همکاری های علمی و فنی بین انستیتو پاستور پاریس و انستیتو پاستور ایران باامضاء رسید و در حقیقت این موافقت نامه متممی بود بر موافقت نامه اولیه ای که در ۲۵ سال قبل باامضاء رسیده بود. بر اساس این توافق انستیتو پاستور ایران از نظر مالی و اداری دارای استقلال شد و زیر نظر يك شورى عالی انستیتو پاستور به ریاست وزیر بهدارى وقت فعالیت خود را آغاز نمود و یکی از متخصصین فرانسوی بنام دکتر مارسل بالتازار M. Baltazard که رئیس بخش انستیتو پاستور كازابلانكا بود بر ریاست انستیتو پاستور ایران انتخاب و مشغول کار شد.

بر اساس برنامه جدید، انستیتو پاستور ایران فعالیت های تازه ای در زمینه خدمات بهداشتی، پزشکی، اپیدمیولوژیک و تحقیقاتی

تهیه وسائل و روابط علمی گردید ولی با همه مشکلات تهیه سرم های ضد دیفتری و کزاز و آناتوکسین های این دو بیماری که در زمان جنگ نایاب شده بود با موفقیت روبرو شد و انستیتو حصارک توانست احتیاجات کشور را از این جهت تأمین کند.

دکتر دلپی مدت ۲۰ سال (از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰) در ایران خدمت نمود و اداره انستیتو حصارک که بنام انستیتورازی نامگذاری شده بود در سال ۱۳۳۵ بهمه همکاران ایرانی او و تحت ریاست دکتر عزیز رفیعی قرار گرفت و دکتر دلپی بفرانسه بازگشت.

۴- تاریخچه بنگاه بهداشت اداره کل بهداری - در سال ۱۳۱۵ که پرفسور لکرو رئیس افتخاری انستیتو پاستور ایران برای بازدید از این انستیتو به تهران آمد متوجه شد که آزمایشگاههای تشخیص طبی انستیتو پاستور قسمت زیادی از وقت کارکنان و آزمایشگاه های این انستیتو را میگیرد و در این زمینه با اداره کل بهداری پیشنهاد نمود که بهتر است فعالیت های انستیتو پاستور ایران منحصر صرف تهیه مواد بیولوژیکی انسانی و بررسی های علمی و تجربی گردد. در اجرای این برنامه آزمایشگاههای تشخیص طبی انستیتو پاستور که سالیان درازی خدمات گرانبهای به بیماران و پزشکان نموده بود تعطیل و فعالیت های آن با آزمایشگاه های جدیدی که توسط اداره کل بهداری تشکیل شد واگذار گردید.

مؤسسه جدید در خیابان ناصر خسرو جنب دارالفنون بنام «مؤسسه بهداشت» توسط دکتر حسین مشعوف تشکیل گردید و این سازمان اولین مؤسسه آزمایشگاهی تشخیص طبی وزارت بهداری بود که در ضمن خدمات تشخیص بهداشتی و اپیدمیولوژیکی، مرکزی جهت آموزش بهداشت و علوم آزمایشگاهی نیز بشمار می رفت. مؤسسه بهداشت دارای بخشهای مختلفی بود منجمله بخش سرم شناسی زیر نظر دکتر مشعوف و دکتر حسن میردامادی، بخش میکروب - شناسی زیر نظر دکتر حسین سهراب و دکتر مهدی ذوالریاستین - بخش انگل شناسی زیر نظر دکتر اسداله شیبانی و دکتر عمیدزاده - بخش آسیب شناسی زیر دکتر مصطفی حبیبی و بخش شیمی زیر نظر دکتر گایگ و دکتر محمودزاده، به علاوه تعدادی پزشکان جوان بعنوان دستیار با این متخصصین همکاری و کارآموزی می نمودند.

این مؤسسه تمام امور تشخیص آزمایشگاهی بیماران بیمارستانهای تهران، پزشکان خصوصی و مؤسسات خیریه را انجام میداد و در امور قرنطینه ای و اپیدمیولوژیکی و برنامه های بهداشتی مشاوره

نگاهداری حیوانات بزرگ نداشت، بدستور صمصام الملك بیات معاون وزارت فواید عامه مقصداری از اراضی کمال آباد جنب قریه حصارک که محل چاپارخانه بود در اختیار انستیتو پاستور گذاشته شد تا بعنوان محل کار و سکونت کارمندان و طویله های نگهداری حیوانات برای تهیه سرم در نظر گرفته شود و بصورت آزمایشگاه دامپزشکی وابسته به انستیتو پاستور فعالیت کند.

این تشکیلات بعد زیر نظر دکتر حامدی قرار گرفت که با همکاری عده ای دامپزشک و پزشک و مهندس از آنجمله دکتر حسن میردامادی، دکتر مشعوف، مهندس ابوالحسن ابوذر، دکتر علم محمد ثمری، مهندس زندی، دکتر علی ادیب، بهرامی و نصیری فعالیت دامنه داری در تهران و استانهای آذربایجان، گیلان و مازندران آغاز نمود و شالوده یک تشکیلات دامپزشکی برای مطالعات و تهیه مواد بیولوژیکی گذاشته شد و پس از هفت سال فعالیت و تکمیل وسائل و توسعه آن ها بالاخره در سال ۱۳۱۰ رسماً بنام «مؤسسه تحقیقات دامپزشکی حصارک» نامگذاری شد و یکنفر دامپزشک فرانسوی بنام دکتر لوئی دلپی (Louis Delpy) که مورد تأیید همکاران ایرانی خود بود برای اداره این مؤسسه جدید استخدام شد و او با همکاری همان گروه اولیه جوانان ایرانی در اطاقهای محقری که در حصارک در اختیار شان بود فعالیت خود را گسترش دادند. بعداً بمرور تعداد دیگری از جوانان ایرانی که تحصیلات خود را در رشته دامپزشکی در ایران و خارج انجام داده بودند با اولین گروه پیوستند و سازمان این آزمایشگاه را وسیع تر و دامنه فعالیت آنرا توسعه داده بمطالعه بیماریهای دامی و مبارزه علیه آنها از راه تهیه سرمها و واکسن های لازم پرداختند. در نتیجه این فعالیت های پیگیر بود که بیماری طاعون گاوی در ظرف سالهای اول ریشه کن شد و علاوه بر آن بررسی بیماریهای دامی در ایران بصورت فعالی درآمد.

علیهذا باید گفت که مؤسسه حصارک و آزمایشگاه های تحقیقات دامپزشکی اولین آزمایشگاه مجهز تشخیص بیماریهای دامی و تهیه سرم و واکسن های مربوط بود که در ایران تأسیس گردید.

در سال ۱۳۱۷ که اعلیحضرت رضاشاه کبیر از این مؤسسه نو بنیاد بازدید بعمل آوردند دستورات لازم جهت توسعه آزمایشگاه ها و مقدمات تهیه سرم و واکسن های انسانی را دره مؤسسه صادر فرمودند و انستیتو حصارک با کمک انستیتو پاستور ایران و انستیتو پاستور پاریس باین امر اقدام نمود و بنتایج جالبی هم دست یافت که متأسفانه جنگ جهانی دوم باعث رکورد کار و محدود شدن

بره پاراسیون‌های تهیه شده از قبل که اکثراً از خارج از کشور تهیه شده بود وجود داشت و دانشجویان ضمن مطالعه علوم نظری آزمایشگاهی به امتحانات میکروسکوپی مختصری مبادرت می نمودند. در سال ۱۳۱۸ که بیمارستانهای بهداری و تعدادی از بخشها و متخصصین موسسه بهداشت به دانشکده پزشکی دانشگاه تهران منتقل شدند آزمایشگاه‌های دانشکده پزشکی صورت دیگری بخود گرفت و بصورت سازمانهای مجهزی درآمد که ضمن انجام دادن خدمات تشخیصی جهت بیماران بیمارستانها و درمانگاههای دانشکده پزشکی و تحقیقات علمی، آموزش آزمایشگاهی را بوضع صحیح و دنیا پسندی بدان دانشجویان عرضه نمود. این آزمایشگاهها که با وسایل کار و کارمندان فنی از مؤسسه بهداشت دانشکده پزشکی منتقل شده بود از بدو شروع بکار در دانشکده پزشکی کاملاً آماده کار و خدمت بوده و در حقیقت باید گفت که اکثر بنیان گذاران آزمایشگاههای تشخیص طبی و مؤسسه بهداشت در سمت استادار شده تخصصی خود در دانشکده پزشکی بخدمات خویش ادامه دادند. بعداً عده‌ای دیگر از متخصصین باین گروه پیوستند و آزمایشگاهها و سازمانهای جدید به هسته اولیه اضافه نمودند از آنجمله هستند دکتر ناصر انصاری که سازمان جدید آزمایشگاههای انگل شناسی، انستیتو مالاریالژی و بالاخره انستیتو تحقیقات بهداشتی را بنیان نهاد و مرحوم دکتر حسین سهراب که آزمایشگاه میکروبی شناسی را بر پایه‌های علمی جدید استوار ساخت و دکتر حسن میردامادی که آزمایشگاه سرم شناسی را سازمان داد و دکتر یحیی پویا که یکی از قدیمی ترین متخصصین آزمایشگاه و رئیس آزمایشگاه بیمارستانهای شهرداری تهران بود و بعداً بنیان آزمایشگاههای خون شناسی را در دانشکده پزشکی نهاد. و بالاخره دکتر آرمائیس وارطانی که بنیان گذار آزمایشگاه شیمی دانشکده پزشکی است.

تشکیل آزمایشگاههای مجهزی در بیمارستانهای تابع دانشکدههای پزشکی و مراکز پزشکی و تأسیس آزمایشگاههای تخصصی تازه دیگری خصوصاً در زمینه ایمنولوژی، شیمی بیولوژی از فعالیت هائی است که در سالهای اخیر نصیب دانشکدههای پزشکی شده است.

۶- تاریخچه تأسیس آزمایشگاه آسیب شناسی و انستیتو سرطان از آنجا که آسیب شناسی رشته خاصی است و نسبت به سایر رشته‌های آزمایشگاهی کمتر مورد احتیاج عامه مردم و پزشک عمومی است و در حقیقت همگام با پیشرفت‌های تکنیک و علم جراحی و آندوسکوپی ضرورت استفاده از آن بیشتر درک میشود در ابتدای کار تأسیس آزمایشگاههای تشخیص طبی در ایران، مورد توجه قرار نگرفت و این روش آزمایشگاهی سالها پس از دیگر رشته‌ها در ایران رواج یافت.

برای دستگاههای بهداشتی و درمانی کشور بود و در اجرای همین برنامه‌ها شعباتی در برخی از مراکز استانها نیز دایر نمود.

در سال ۱۳۱۸ که سازمان جدید دانشکده پزشکی تهران توسط پرفسور اوبرلین (Ch. Oberling) داده شد، بیمارستانهای بهداری به دانشکده پزشکی واگذار گردید و ضمن همین نقل و انتقالات تعدادی از بخشهای مؤسسه بهداشت نیز بدانشکده پزشکی دانشگاه تهران منتقل گردید و همانا بودند که در حقیقت هسته اولیه اکثر بخشهای آزمایشگاهی دانشکده پزشکی تهران را تشکیل دادند و اکثر رؤسای همان بخشها با سمت دانشیاری بدانشکده پزشکی تهران منتقل شدند و وسایل کار و کارمندان فنی خود را نیز همراه خود آورده، فعالیت خدماتی خود را با آموزش پزشکی دانشجویان و دستیاران توأم نمودند.

فعالیت مؤسسه بهداشت از این پس بیشتر صرف تعلیم بهداشت و بررسی‌های اپیدمیولوژیک در قسمتهای مختلف کشور میشد و نام این مؤسسه بعداً به «آزمایشگاه مرکزی وزارت بهداری» تغییر یافت و همچنان بفعالیت‌های خود ادامه میداد تا در تشکیلات نوین وزارت بهداری در سال ۱۳۴۲، با تشکیل اداره کل آزمایشگاهها تمام مؤسسات آزمایشگاهی وزارت بهداری در یکدیگر ادغام و «آزمایشگاه رفرائس وزارت بهداری» تشکیل گردید.

۵- نظری به تاسیس آزمایشگاههای دانشکده‌های پزشکی - با اینکه بحث درباره تاسیس آزمایشگاههای آموزشی و خدماتی و تحقیقاتی دانشکده‌های پزشکی که قسمتی از سازمان بزرگ دانشگاه هاست خارج از نظر ما درباره تاریخچه آزمایشگاههاست زیرا دانشکده‌های پزشکی دستگاه‌های آموزشی هستند که ضمن آموزش پزشکی که وظیفه اصلی آنهاست بخدمات طبی و اپیدمیولوژیک نیز میپردازند، معهذاً چون اکثر کسانی که بنیان گذار اولین آزمایشگاههای تخصصی کشور بوده‌اند و در فصول قبل ذکر از آنان شده است، فعالیت دانشگاهی نیز داشته‌اند و در حقیقت در حین اشتغال با آموزش رشته تخصصی خود، در آزمایشگاههای دانشکده پزشکی و یا آزمایشگاههای مؤسسات دیگر دولتی یا خصوصی نیز خدمت دیگر کرده‌اند، لذا فهرست وار به تاریخچه تأسیس آزمایشگاههای دانشکده پزشکی تهران که قدیمی ترین دانشکده پزشکی ایران است میپردازیم:

تا سال ۱۳۱۸ که سازمان نوین دانشکده پزشکی توسط پرفسور شارل اوبرلین (Ch. Oberling) داده شد آزمایشگاههای دانشکده طب فقط جنبه آموزشی داشت و هیچگونه فعالیت خدماتی در کار نبود زیرا دانشکده پزشکی بیمارستان یا درمانگاهی وابسته بخود نداشت. در هر يك از آزمایشگاهها وسایل کار مختصری همراه با

به هدف نهائی که تشخیص بیماری بود بانان گوشزد میشد و حقیقتاً باید گفت که این فعالیت‌ها در بادی امر برای شناسانیدن علم آسیب‌شناسی بسیار موثر بود. آزمایشگاه آسیب‌شناسی موسسه بهداشت مدت دو سال در خدمت بیماران تهران و شهرستانها و خصوصاً مراجعین بیمارستانها و بخشهای جراحی بود تا اینکه در سال ۱۳۱۸ بدانسکده پزشکی تهران منتقل و بخش آسیب‌شناسی علمی و عملی در دانشکده پزشکی تهران تأسیس شد که تا ضمن ادامه برنامه‌های خدمانی سابق خود مبادرت به آموختن آسیب‌شناسی به صورت علمی و عملی به دانشجویان پزشکی بنمایند.

دومین آزمایشگاه آسیب‌شناسی برای انجام مراجعات بیمارستان های ارتش بهمت دکتر قلی باوندی در سال ۱۳۱۸ در بیمارستان پهلوی گشایش یافت و شروع فعالیت نمود و دسته‌اولیه آزمایشگاه‌های آسیب‌شناسی کنونی بیمارستانهای ارتش در آن سال گذاشته شد.

در سالهای بعد با تأسیس دانشکده پزشکی در شهرستانها آزمایشگاههای آسیب‌شناسی نیز در آن دانشکده‌ها تاسیس شد و دامنه فعالیت‌های آسیب‌شناسی در کشور گسترش یافت.

در سال ۱۳۲۸ اولین مقاوله نامه تأسیس يك مرکز درمان سرطان بین جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران و دانشکده پزشکی تهران به امضاء رسید و محل تاسیس این مرکز را در يك ساختمان نیمه‌تمام بیمارستان پهلوی تعیین نمودند و جمعیت شیر و خورشید سرخ اتمام ساختمان و تجهیز آنرا متقبل شد.

تکمیل ساختمان و تجهیز بیمارستان مدت هشت سال بطول انجامید تا اینکه در سال ۱۳۳۶ اولین مرکز کبالت و بخشهای رادیولوژی و بخش جراحی سرطان افتتاح و آماده بهره‌برداری گردید و بنام بیمارستان تاج پهلوی موسوم شد. از طرف کرسی آسیب‌شناسی دانشکده پزشکی نیز آزمایشگاه مجهزی نیز برای تکمیل فعالیت‌های بیمارستان تاج پهلوی تأسیس شد که بعداً با تاسیس کرسی سرطان‌شناسی دانشکده پزشکی و کمک‌های مادی سازمان برنامه، شرکت ملی نفت و شیر و خورشید سرخ و سازمان بهداشت جهانی بصورت يك مرکز مطالعه و تحقیقات سرطان و انجام امتحانات آسیب‌شناسی (مرکز تحقیقات علمی سرطان) درآمد. بیمارستان تاج پهلوی تا سال ۱۳۴۵ توسط شیر و خورشید سرخ ایران و دانشکده پزشکی تهران توأم اداره میشد تا اینکه در این سال اداره آن کلاً بدانسکده پزشکی واگذار گردید.

چون مراجعات بیماران سرطانی روز بروز زیادتر میشد پس از تکمیل ساختمان نیمه تمام دیگری که بمنظور توسعه بیمارستان تاج پهلوی بنا شده بود، در اجرای برنامه توسعه فعالیت‌های خدماتی، آموزشی، تحقیقاتی و اپیدمیولوژیک در زمینه سرطان و

تا سال ۱۳۱۵ که اولین آزمایشگاه آسیب‌شناسی تأسیس گردید در مواردیکه برای بیماری احتیاج به آزمایش نسجی میشد بافت برداشته شده بخارج از کشور ارسال میگردد و این امر در مورد همه بیماران مقدور نبود و تقریباً منحصر بمواردی بود که بیمار به بیمارستانهای امریکائی، بیمارستانهای شرکت نفت یا پزشکان خارجی سفارتخانه‌ها مراجعه مینمود و این موسسات به واسطه تسهیلاتی که در امر ارسال بافت بخارج برایشان فراهم بود از این آزمایش استفاده میکردند و در حقیقت اکثریت بیماران و پزشکان ایران از این وسیله تشخیصی که در اکثر موارد قاطع است و در تعیین سرنوشته بیمار و مشی درمان جنبه حیاتی دارد، محروم بودند.

آموزش آسیب‌شناسی نیز در دانشکده پزشکی تهران خیلی ناقص بود و فقط بصورت علم نظری و مختصری بررسی میکروسکوپی از روی برشهای تهیه شده در خارج بعمل میآمد و بهمین مناسبت متأسفانه پزشکان فارغ التحصیل از دانشکده پزشکی تهران در آن دوران بهره کامل از این علم نداشته و بالطبع در دوران طبابت خود نیز استفاده‌ای از این روش تشخیصی نمیکردند.

در سال ۱۳۱۵ اولین آزمایشگاه آسیب‌شناسی توسط اداره کل بهداشتی در موسسه بهداشت زیر نظر دکتر مصطفی حبیبی تأسیس شد و فعالیت خود را آغاز نمود.

نظر به احتیاج مبرمی که به استفاده از آسیب‌شناسی در ایران احساس میشد با وجود محدود بودن وسائل کار و نداشتن کادر فنی کاردان فعالیت این آزمایشگاه بسرعت رو بتوسعه رفت.

این آزمایشگاه بموازات فعالیت‌های خدماتی بمنظور آشنا نمودن پزشکان باین روش تشخیصی و طرق بافت برداری و نگهداری و ارسال آن با آزمایشگاه و نشان دادن نتایج تشخیصی جلسات کنفرانس و بحث در موسسه بهداشت و انجمن پزشکان که در آن زمان بهمت دکتر حبیب عدل در منزل ایشان تشکیل میگشت ترتیب می‌یافت تا پزشکان علاوه بر دیدار بیمار و مقایسه وضع بالینی او با نتایج آزمایش آسیب‌شناسی و با توجه بنظر پزشک معالج، وضع بیمار مورد بحث و مشاوره قرار گیرد. اهمیت تشکیل این جلسات در این بود که ضمن نشان دادن لزوم همکاری پزشک معالج با متخصص آسیب‌شناسی بمنظور رسیدن به تشخیص نهائی کمک لازم به دانش آسیب‌شناسی پزشکانی که در دوران تحصیل از آموزش این علم محروم بوده‌اند بشود. بهمین منظور نیز جزوات و یادداشت‌هایی چاپ و بین پزشکان توزیع میشد که همواره در اختیار داشته باشند و در این جزوات لزوم همکاری نزدیک و تبادل نظر بین آسیب‌شناس و پزشک معالج برای رسیدن

در کلاس‌های آزمایشگاهی وزارت بهداشتی که بر طبق قانون خاص برای تکمیل اطلاعات متصدیان آزمایشگاه‌ها بمدت محدودی برای هشت دوره تشکیل شد کسانیکه با داشتن درجه دکترای پزشکی، دامپزشکی، داروسازی و یا شیمی حیاتی مدتی در یکی از آزمایشگاه‌های تشخیص طبی دولتی خدمت کرده بودند میتوانند شرکت نموده پس از احراز گواهینامه این کلاس دارای شرایط لازم برای احراز پست ریاست آزمایشگاه تشخیص طبی شوند و اکثر داوطلبان چون کارمندان وزارت بهداشتی بودند پس از تکمیل معلومات آزمایشگاهی خود تصدی مراکز بهداشت و آزمایشگاه‌های شهرستانهای بزرگتری با آنها واگذار میشد.

انستیتو پاستور ایران در تأسیس کلاسهای علوم آزمایشگاهی و تربیت تکنیسین نیز قدمهایی برداشت و در دوران فعالیت‌آموزین بهداشتی اصل چهار در ایران اقدام به تأسیس دوره تکمیلی آزمایشگاه تشخیص طبی، سرلژی و بهداشتی و کلاس تربیت تکنیسین آزمایشگاه نمود و افرادی را که داوطلب خدمت در واحد‌های بهداشتی اصل چهار بودند (اعم از کسانیکه با درجه دکتر داوطلب ریاست آزمایشگاه و یا کسانیکه داوطلب شغل تکنیسین آزمایشگاهی بودند) برای دوره شش‌ماه آموزش میپذیرفت و کلاسهای فشرده توسط متخصصین رشته‌های مختلف انستیتو پاستور اداره میشد. این دوره‌های تکمیلی انستیتو پاستور که از سال ۱۳۳۱ آغاز شد تا سال ۱۳۳۴ برقرار بود در این مدت عده‌ای بالغ بر ۵۰ نفر داوطلبان با درجه دکتر و در حدود همین تعداد داوطلبان دوره تکنیسین آزمایشگاهی با گواهینامه کامل دبیرستان دوره‌های آموزش انستیتو پاستور را دیدند و از طرف وزارت بهداشتی گواهینامه جهت آنان صادر شد.

کلیه این دوره‌های آموزشی اعم از دوره‌های انستیتو مالاریالژی دانشکده پزشکی، آزمایشگاه مرکزی وزارت بهداشتی یا انستیتو پاستور بصورت دوره‌های کوتاه مدتی بودند که جنبه تکمیلی داشت و کفاف احتیاجات کشور را نمیداد.

دوره‌های کامل تخصصی علوم آزمایشگاهی با برنامه مدون دروس علمی و کارهای عملی در سال ۱۳۳۷ در دانشکده پزشکی تهران آغاز شد. دوره آموزش جهت پزشکان دو سال و برای دارندگان درجه دکترای داروسازی، دامپزشکی و شیمی بیولوژی سه سال بود که سال اول این دسته دوم شامل آموزش مقدمات پزشکی و کارآموزی بیمارستانی بود تا بتوانند از سال دوم همراه با داوطلبان پزشک به آموزش رشته‌های مختلف آزه‌آی‌شگاهی بپردازند و هر سال بین ۱۰-۲۰ نفر برای شرکت در این کلاس انتخاب میشدند و تمام برنامه‌ها توسط استادان و دانشیاران دانشکده

بالاخره تأسیس يك مرکز آمار سرطان، در سال ۱۳۴۹ بیمارستان تاج پهلوی و مرکز تحقیقات سرطان در یکدیگر ادغام شدند و انستیتو تاج پهلوی برای تحقیقات و مبارزه با سرطان، تأسیس شد و همکاری نزدیک واحدهای مختلف جراحی، پزشکی، رادیولوژی و رادیوتراپی، آسیب شناسی و اپیدمیولوژی و سایر رشته‌های تخصصی لازم در يك انستیتوی واحد و مستقل متمرکز گشت.

بطور خلاصه آنچه در باره تأسیس و تشکیل آزمایشگاه‌های آسیب شناسی و فعالیت های آن باید گفت این است که در ظرف مدت کوتاهی یعنی ۳۶ سال آسیب شناسی بوجود آمد و توسعه قابل توجهی یافت و امروزه علاوه بر تأسیس آزمایشگاه‌های دولتی و خصوصی در کشور، اکثر بیمارستانهای بزرگ اعم از دولتی یا خصوصی از همکاری آسیب شناسان برخوردارند و آموزش این رشته در تمام دانشکده‌های پزشکی ایران بصورت علمی و عملی به بهترین وجهی انجام میگردد.

۷- تاریخچه دوره‌های تخصصی علوم آزمایشگاهی: تا قبل از تکمیل آزمایشگاه‌های انستیتو پاستور و تشکیل مؤسسه بهداشت، داوطلبان تخصص در رشته‌های آزمایشگاهی فقط میتوانستند در مؤسسات خارجی بآموختن این رشته‌ها پرداخته و تعلیمات علمی و عملی لازم را ببینند ولی بعداً انستیتو پاستور ایران و مؤسسه بهداشت محلی جهت کار آموزی این نوع داوطلبان شد بطوریکه باید بگوئیم امروز عده‌ای از متخصصین که مسئولیت مؤسسات بهداشتی و آزمایشگاه‌های کشور را بعده دارند دوره‌های اولیه آموزش تخصصی خود را در این مؤسسات دیده‌اند و در آنجا آغاز بکار کرده، در مراحل بعدی برخی از آنان در مؤسسات دیگری به تکمیل معلومات خود پرداخته‌اند.

از آنجا که انستیتو پاستور و مؤسسه بهداشت گنجایش کافی برای همه داوطلبان رشته‌های آزمایشگاهی و بهداشتی که همه ساله رو با افزایش میرفت نداشت و بعلمت محدودیت کادر علمی و فنی، آموزش در این مؤسسات تحت يك برنامه مدون علمی و عملی نبود و بیشتر جنبه کارآموزی داشت. در سال ۱۳۳۱ بهمت دکتر ناصر انصاری استاد انگل شناسی و رئیس انستیتو مالاریالژی دانشکده پزشکی تهران يك دوره تکمیلی یکساله آزمایشگاهی برای کسانیکه سابقه کار آزمایشگاهی داشتند تشکیل گردید. این دوره که با همکاری و کمک وزارت بهداشتی و بمنظور کمک به تکمیل کادر آزمایشگاهی آن وزارتخانه تشکیل شده بود پس از سه دوره کامل (چون در آغاز کار دوره چهار ماهه بود که با اضافه کردن يك دوره دیگر هشت ماهه بصورت کامل یکساله در آمد) در سال ۱۳۳۴ تعطیل و این فعالیت از انستیتو مالاریالژی با آزمایشگاه مرکزی وزارت بهداشتی واگذار گردید.

ماهی آزمایشگاه را رها ساخت و بکار طبابت خود پرداخت و محل و وسائل کار آزمایشگاه را به دکتر حسن میردامادی و دکتر حسین مشعوف واگذار کرد و این دو کارشناس آزمایشگاه سینارا در همان محل تأسیس کردند (سال ۱۳۰۸).

دومین آزمایشگاه خصوصی تهران کمی بعد از آزمایشگاه سینا توسط دکتر ابوالقاسم رسولی و دکتر یحیی پویا بنام آزمایشگاه بوعلی تأسیس گردید و تا حدود سال ۱۳۳۰ فعالیت داشت.

سومین آزمایشگاه خصوصی تهران توسط دکتر مهدی ذوالریاستین بنام آزمایشگاه رازی بسال ۱۳۰۹ تأسیس شد. ایشان در آن موقع ریاست آزمایشگاه تجزیه طبی انستیتو پاستور را به عهده داشتند.

چند سالی بعد دکتر آرمائیس وارطانی استاد شیمی دانشکده پزشکی تهران آزمایشگاه دیگری در تهران تأسیس نمود بنام آزمایشگاه طوسی که از لحاظ وسائل کار برای امتحانات شیمیائی مجهز بود، و تا پایان عمر دکتر وارطانی بفعالیت خود در آزمایشگاه طوسی ادامه میداد.

چون بتدریج داوطلبان کارآموزی آزمایشگاهی در انستیتو پاستور سپس در مؤسسه بهداشت رو به ازدیاد میرفت و عده متخصصین بیشتر میشدند تعداد آزمایشگاهها در تهران سپس در شهرستانهای بزرگ رو به افزایش رفت و در ضمن تعدادی هم پزشکان ایرانی که تحصیلات خود را در خارج از کشور انجام داده بودند برشتههای آزمایشگاهی گرایش یافته و پس از بسازگشت بجمع متخصصین آزمایشگاهی کشور پیوستند، این بود که کم کم تعداد متخصصین بیشتر شد و مؤسسات بهداشتی و پزشکی دولتی در تهران و شهرستانها از وجود متخصصین آزمایشگاه برخوردار شدند و تعداد آزمایشگاههای خصوصی نیز بر حسب احتیاج زمان رو به ازدیاد رفت، بقسمی که پس از ۴۳ سال که از تأسیس اولین آزمایشگاه در تهران میگردد امروز بیش از ۱۴۰ آزمایشگاه خصوصی و در همین حدود آزمایشگاه.

های دولتی در سراسر کشور در خدمت بیماران و پزشکان میباشند. فکر تأسیس آزمایشگاه مجهز و کاملتری با همکاری عدهای کارشناس در رشتههای مختلف برای اولین بار در سال ۱۳۱۸ ایجاد گردید و در این سال عدهای متخصص رشتههای مختلف که تحصیلات خود را در خارج پایان رسانیده بودند با وسائل کامل تهران آمده مبادرت بتأسیس آزمایشگاهی بنام «آزمایشگاه استخر» کردند این عده عبارت بودند از: دکتر حسین سهراب (متخصص میکروب شناسی و سرم شناسی) دکتر مرشد زاده (متخصص شیمی) دکتر اسدالله شیبانی (متخصص انگل شناسی) و دکتر قلی باوندی (متخصص آسیب شناسی). تأسیس آزمایشگاه استخر در سال ۱۳۱۸ بصورت فعالیت تازه ای جلوه گر شد و نویدی از فکر همکاریهای دسته جمعی

پزشکی اداره میشد و کارآموزی در بیمارستانها و آزمایشگاههای تابع دانشکده پزشکی انجام میگرفت. بفارغالتحصیلان این دوره گواهینامه تخصص علوم آزمایشگاهی داده میشد که بموجب آن میتوانستند پروانه اداره آزمایشگاه تشخیص طبی از وزارت بهداشت دریافت دارند.

در مورد تربیت کمک آزمایشگاه و تکنیسین آزمایشگاه باید بگوئیم که بموازات تأسیس کلاسهای تکمیلی و تخصص علوم آزمایشگاهی دورههایی نیز برای آموزش و تربیت کادر کمک آزمایشگاه و تکنیسین تشکیل گردید و فارغالتحصیلان دوره دوم متوسطه پس از دیدن یک دوره علمی و عملی در آزمایشگاه مرکزی وزارت بهداشتی و اخذ گواهینامه، با عنوان کمک تکنیسین بادرجه فوق دیپلم (بموجب تصویب نامه خاص شورای عالی فرهنگ) در آزمایشگاههای مختلف استخدام میشدند. این دورهها در وزارت بهداشتی همچنان ادامه دارد و بدین طریق احتیاجات مؤسسات آزمایشگاهی وزارت بهداشتی را برطرف می کنند.

در دانشکده پزشکی تهران و برخی از دانشکدههای شهرستانها نیز کلاسهای دوساله تربیت تکنیسین آزمایشگاهی تشکیل گردید و در چند سال اخیر دورههای تکمیلی شبانه برای تکمیل معلومات تکنیسینهای شاغل در مؤسسات تابعه دانشکده پزشکی تأسیس شد و تکنیسینهای آزمایشگاههای دانشکده پزشکی که مایل به تکمیل معلومات خود بودند در این دورهها که بصورت کلاس شبانه دوساله میباشد به اخذ درجه لیسانس نائل آمدند.

از سال ۱۳۴۷ دورههای لیسانس علوم آزمایشگاهی در برخی از دانشگاهها، از جمله دانشگاه تبریز و دانشگاه اصفهان دایر شد و دانشکده پزشکی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۰ از ادامه کلاسهای تخصصی علوم آزمایشگاهی و تکنیسین آزمایشگاهی خودداری کرد.

۸- تاریخچه تأسیس آزمایشگاههای خصوصی- اگر از فعالیتهای آزمایشگاهی متفرقه ای که توسط برخی داروخانه داران و بعضی پزشکان خارجی سفارتخانهها که در قسمت اول این مقاله به تفصیل از آن یاد شد بگذریم، مؤسس اولین آزمایشگاه خصوصی در تهران دکتر حسین سیفی میباشد که پزشکی کاردان در طب و آزمایشگاه بود و در خیابان لاله زار آزمایشگاهی تأسیس کرد که مرجعی برای بیماران و پزشکان تهران بود. دکتر سیفی پزشکی بود که معمولاً بطبابت میپرداخت و ساعتی را هم برای انجام آزمایشهای مراجعین در دارالتجزیه خود حاضر میشد. این آزمایشگاه در اوایل سال ۱۳۰۸ تأسیس گردید ولی دکتر سیفی مدت زیادی بکار آزمایشگاهی ادامه نداد و پس از چند

برای اولین بار در سال ۱۴۳۴ ضمن قانونی که درباره مقررات امور پزشکی و دارویی از مجلسین گذشت تاسیس آزمایشگاه و سایر موسسات پزشکی را تابع مقررات خاص کرد و اخذ پروانه مخصوص از وزارت بهداشتی برای تاسیس آزمایشگاه اجباری گردید.

در فصل دوم این قانون که مخصوص آزمایشگاه تشخیص طبی است دارندگان درجه دکترا در پزشکی، داروسازی، داپزشکی، علوم شیمی و بیولوژی که دارای گواهینامه‌های دوره تکمیلی آزمایشگاهی از دانشکده پزشکی تهران یا گواهینامه‌های تخصص در امور آزمایشگاهی از کشورهای خارج هستند، البته به شرطی که به تصدیق مراجع ذیصلاح رسیده باشد، واجد شرایط برای دریافت پروانه آزمایشگاه شناخته میشوند و میتوانند پس از کسب پروانه مربوطه مبادرت با افتتاح آزمایشگاه نمایند. قانون فوق‌الذکر دارندگان آزمایشگاه را که تا تاریخ تصویب قانون لااقل سابقه پنج سال کار آزمایشگاهی بودند از شرایط فوق‌مستثنی نموده و در صورت دارا بودن درجه دکترا واجد شرایط اخذ پروانه تلقی میکند.

در همین قانون بمنظور تکمیل کادر متصدیان آزمایشگاه‌های وزارت بهداشتی پیش بینی شده است از کسانی که با داشتن درجه دکترا در یکی از رشته‌های بالا لااقل يك سال سابقه کارآموزی در یکی از آزمایشگاه‌های وزارت بهداشتی یا دانشکده پزشکی داشته باشند، بر طبق آئین نامه خاصی امتحان بعمل آورده و در صورت موفقیت طبق قانون استخدام پزشکان آنها را برای تصدی آزمایشگاه‌های وزارت بهداشتی در شهرستانها استخدام نمایند.

مسائل دیگری نیز در مواد مختلف دیگر این قانون برای کنترل آزمایشگاه‌ها پیش بینی شده است از جمله تصدی آزمایشگاه را مکلف به فعالیتی نموده است که برای آن رشته پروانه صادر شده است و خرید و فروش خون را در آزمایشگاه‌های تشخیص طبی ممنوع نموده و يك نفر نمیتواند تصدی بیش از يك آزمایشگاه را داشته باشد.

ماده ۲۰ این قانون کمیونی را مأمور بررسی مدارك تاسیس داوطلبان آزمایشگاه میکند. این کمیسیون بریاست معاون وزارت بهداشتی و عضویت روسای انستیتورانی و انستیتوپاستور و استادان کرسی‌های میکروب شناسی، سرم شناسی، شیمی بیولوژی و آسیب شناسی دانشکده پزشکی تهران و يك نفر از رؤسای آزمایشگاه‌های آزاد، در وزارت بهداشتی تشکیل میگردد و بدرخواست‌های داوطلبان و مدارك آنان رسیدگی مینماید و در صورت مطابقت با قانون برگ صلاحیت تاسیس آزمایشگاه را برای داوطلب صادر میکند.

بوسیله عده‌ای کارشناس در رشته‌های مختلف پزشکی را میداد و سرآغار فصل نوینی در فعالیت‌های پزشکی کشور بشمار می‌آمد. متأسفانه همکاری این گروه مدت زیادی دوام نیافت و پس از مدتی کمتر از دو سال این همکاری از هم گسست و نامبردگان مبادرت به تاسیس آزمایشگاه‌های دیگری کردند.

با اینکه این نخستین فعالیت دسته جمعی يك گروه پزشکی باشکست روبروشد معینا اصل همکاری دسته جمعی فراموش نشد و پس از مدتی خاموشی دوباره در سالهای اخیر رونق گرفت و بهترین گواه آن تشکیل گروه‌های مختلف پزشکی برای تاسیس بیمارستانها و درمانگاهها و بالاخره آزمایشگاه‌هاست. در مورد آزمایشگاه که مورد نظر ماست باید بگوئیم همکاری دسته جمعی بهمان اندازه حائز اهمیت است که در مورد بیمارستانها یا درمانگاهها، زیرا امروزه با توسعه روزافزون روشهای مختلف آزمایشگاهی و تکمیل وسائل کار، کارشناسان رشته‌های مختلف علوم آزمایشگاهی میتوانند تحت شرایط بهتری با کمک تکنیسین‌های ورزیده و کارآموده مبادرت بفعالیت‌های وسیعتر، بهتر و دقیقتری کرده وظیفه خود را سریعتر و حساستر انجام و نتایج آنرا در دسترس بیماران و پزشکان قرار دهند.

آنچه مسلم است همکاریهای دسته جمعی در تمام شئون پزشکی خصوصاً آزمایشگاهی بدون شك ربه توسعه خواهد رفت و کم کم فعالیت گروه‌های مختلف پزشکی جانشین فعالیت‌های انفرادی خواهد شد.

۹- مقررات مربوط به تاسیس آزمایشگاه‌های تشخیص طبی در ایران: تا سال ۱۳۳۴ تاسیس آزمایشگاه تشخیص طبی در ایران مانند دیگر مؤسسات پزشکی از قبیل بیمارستان و درمانگاه تابع مقررات مدون خاص نبود و کلیه کسانی که دارای پروانه پزشکی بودند و کارآموزیهائی در مؤسسات آزمایشگاهی کشور یا خارج انجام داده بودند میتوانند مبادرت بتاسیس آزمایشگاه تشخیص طبی نمایند و فقط در برخی موارد که سوابق داوطلب تاسیس آزمایشگاه خیلی روشن نبود بمنظور ارزشیابی اطلاعات علمی و عملی او، در انستیتوپاستور که یگانه مرجع ذیصلاحیت بود از او آزمایش بعمل می‌آمد.

البته چون اکثریت متصدیان آزمایشگاه‌ها را شاغلین مؤسسات بهداشتی و آزمایشگاهی یا آموزشی کشور تشکیل میداد عملاً متخصص فن خود شناخته میشدند و بدون هیچ‌قید و شرطی مبادرت با افتتاح آزمایشگاه کرده بودند.

« مآخذ و مدارک »

- ۱- دکتر مهدی آذر- «تاریخچه بیماری قند» مجله علمی نظام پزشکی ایران شماره ششم بهمنماه ۱۳۴۹.
- ۲- دکتر مهدی قدسی - «انستیتو پاستور ایران» بولتن اتحادیه شاگردان سابق انستیتو پاستور پاریس شماره ۲۲-۱۹۴۶.
- ۳- دکتر ژوزف منار - «رپرت عملیات انستیتو پاستور دولت علیه ایران از ۲۱ مارس ۱۹۲۲ تا ۲۰ مارس ۱۹۲۳».
- ۴- دکتر مرآتی کاوه - «فعالیت‌های ملی و بین‌المللی انستیتو رازی» نشریه انستیتو رازی سال ۱۹۶۷.
- ۵- دکتر عزیز رفیعی - «سی‌امین سال بنیاد موسسه رازی (۱۹۳۰-۱۹۶۱)» نشریه انستیتو رازی.
- ۶- دکتر حسین شعوف - «تاریخچه لابراتوار در ایران» متن کنفرانس در رادیو ایران سال ۱۳۴۹.
- ۷- دکتر محمود نجم‌آبادی - «سابقه تاریخی آزمایش و آزمایشگاه» از کتاب تاریخ طب ایران و اطلاعات خصوصی.
- ۸- مهندس صباحی - «خدمات آزمایشگاهی در کشور ایران» پلی‌کپی منتشر شده در سال ۱۳۴۹.
- ۹- دکتر عبدالله حبیبی - «انستیتو تاج پهلوی تاریخچه و فعالیت‌های علمی» نشریه انستیتو تاج پهلوی آذر ۱۳۴۹.
- ۱۰- دکتر مهدی قدسی - تاریخچه خدمات پنجاه ساله انستیتو پاستور ایران «بیاد بود جشنهای دوهزاروپانصدسال بنیان‌گذاری شاهنشاهی ایران» از انتشارات انستیتو پاستور ایران مهرماه سال ۱۳۵۰.